

هم‌سنجی اساطیر گیاهی در سفالینه‌های سلجوقی با یک قطعه پارچه محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت

زهرا تقدس نژاد*

ابوالفضل داودی رکن‌آبادی**

محمدرضا شریف‌زاده***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

چکیده

نقوش ثبت‌شده بر آثار هنری به‌ویژه مواردی که متعلق به اعصار دور هستند، علاوه بر جنبه‌های آرایه‌ای و زینتی، دارای کارکردهایی بوده‌اند که با اساطیر، اعتقادات و آیین‌های رایج در آن زمان، پیوندی تنگاتنگ دارند. به عبارت دیگر، نقوش مزبور به‌مثابه نمادهایی هستند که بر عقاید و یا پیام‌هایی خاص دلالت دارند. از مهم‌ترین مصادیق این موضوع می‌توان به آثار هنری ساخته و پرداخته در عصر سلجوقی اشاره کرد که از آن گنجینه‌ای غنی، به‌ویژه در زمینه منسوجات و سفال برجای مانده‌است. مقاله حاضر که به شیوه اسنادی تدوین و از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته، با هم‌سنجی میان نقوش یک قطعه پارچه محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت و شش سفالینه موجود از دوره سلجوقی، مشترکات فکری، اسطوره‌ای و اجتماعی ارائه‌شده در آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و نسبت به شناسایی و دسته‌بندی اشتراکات کارکردی آن‌ها اقدام نموده‌است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تمامی نقوش به‌کار رفته در آثار یادشده، دارای کارکرد فرهنگی بوده و نشان‌گر عقاید روز آن زمان هستند، یعنی نقوش و نمادهای به‌کار رفته در آثار، برای مردم آن روزگار معنایی کارکردی داشته و صرف تکرار گذشته و با هدف زیبایی نبوده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

اسطوره، نقوش گیاهی، پارچه، سفال، سفال سلجوقی، موزه ویکتوریا و آلبرت.

* دانشجوی دکترا، گروه مطالعات تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران / z.taghadossnezhad@richt.ir

** استاد تمام، گروه طراحی پارچه و لباس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول) / davodi@iauyazd.ac.ir

*** استاد تمام، گروه فلسفه هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران / moh.sharifzadeh@iauctb.ac.ir

۱. مقدمه

اسطوره یکی از سازه‌های فرهنگی مهم بشری است و چون تنوع بسیاری را داراست، عمومیت‌بخشیدن به آن دشوار است. اسطوره با داشتن ویژگی‌های کلی و جزئی، بازتابنده، شارح و نشان‌دهنده منحصر به فرد یک ملت است (اسماعیل پور، ۱۳۹۱: ۱۴). اسطوره اصطلاحی کلی و دربرگیرنده باورهای انسان در جوامع اولیه و شامل باورهای مقدس و تطورات اجتماعی است (بهار، ۱۳۹۱: ۳۷۱). اشتراکات میان انسان‌ها در اسطوره بازتاب یافته و داستان جستجوی حقیقت، معنا و دلالت در طی قرون متمادی و سرنخ‌هایی برای امکانات معنوی بشر است (کمبل، ۱۳۷۷: ۲۲-۲۳). اسطوره، داستان و سرگذشت مینوی است و از سنت‌ها و روایات گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد (آموزگار، ۱۳۹۱: ۳). برای شناخت روایات اسطوره باید پوسته بیرونی آن را کنار زد و به محتوای درونی آن پی برد (هینلز، ۱۳۹۱: ۱۹۱). اسطوره در همه زمان‌ها به‌عنوان یک عنصر ثابت است و از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد و بخشی از ساختار ذهن ناخودآگاه انسان را تشکیل می‌دهد (بیرلین، ۱۳۸۶: ۱۰). اسطوره‌ها روایت‌های رمزی هستند که از نادیده‌ها و ناشناخته‌ها حکایت می‌کنند، و در زمان بی‌زمانی سیر می‌کنند (ستاری، ۱۳۸۹: ۲). برای شناخت اساطیر در ایران، شناخت عناصر چهارگانه طبیعت، نقش به‌سزا و مهمی دارند. هر یک از این عناصر با قوای برتر طبیعت در ارتباطند و دارای ایزدان و رب‌النوع هستند (دادور و روزبهانی، ۱۳۹۵: ۶۶). نقش درخت سرو به همراه انسان، و حیوانات در آثار سفالی دوران اسلامی نمایان است (دادور، ۱۳۹۳: ۷).

در پژوهش حاضر به بررسی نقش اسطوره گیاهی روی یک قطعه پارچه دوره سلجوقی محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و تطبیق آن با نقش سفال‌های این دوره پرداخته شده است. هم‌چنین ارتباط بینامتنی نقوش اسطوره‌ای بر روی سفالینه‌ها و پارچه موردنظر واکاوی شده و در پی پاسخ به جایگاه معناشناختی الگوهای بصری یکسان نمودیافته بر پارچه و سفالینه‌های سلجوقی است. این پژوهش، تحلیلی اسطوره‌شناسی به روش هم‌سنجی ارائه خواهد داد و در سطح توصیف، فرم و نقوش پارچه‌ها و سفالینه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد تا در سطح تحلیل، قراردادهای پنهان در نقوش از منظر اسطوره‌شناسی آشکار شوند. در این مرحله به ارتباط نقش آب، درخت زندگی، جوان‌های نشسته در کنار درخت و ارتباط آن‌ها با اساطیر نباتی پرداخته شده است. از میان پارچه‌های سلجوقی تنها شش پارچه با نقش انسانی توسط نگارندگان شناسایی شده است و از این شش نمونه، تنها یک قطعه با نشانه‌های اسطوره‌ای است که در موزه ویکتوریا و آلبرت با شماره T.94-1937 محفوظ می‌باشد و مدنظر این پژوهش قرار دارد (جدول ۱). این پارچه با شش سفالینه که از منظر نقوش به آن شباهت دارند، مورد تطبیق قرار گرفت. یافته‌های این مقاله زاویه‌ای نوین از جهان‌بینی رایج در عصر سلجوقی را به مخاطبان ارائه می‌دهد که نقوش موردنظر، آن‌ها را در بطن خود حفظ کرده و گاه بر اساس نیاز روز، با تغییراتی ناگزیر منتقل می‌نمودند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، اسنادی و تجربی (بازدید آثار موزه‌ای) است و پژوهش با رویکرد تاریخی و به روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. روش تحلیل، مقایسه بوده و بر پایه هم‌سنجی و نگاه اسطوره‌شناسانه، تصاویر یک قطعه پارچه عصر سلجوقی و شش نمونه سفال این عصر مورد خوانش قرار گرفته است.

جدول ۱: پارچه‌هایی با نقوش انسانی و نقش چهره انسان از دوره سلجوقی (نگارندگان)

		
(فربه، ۱۳۷۴: ۱۵۷)	(URL1)	منبع تصویر
جوانی به همراه باز شکاری	نقش دوقلوها، امشاسپندان	مضمون نقش

	
(Hillenbrand, 1994: 216)	(URL2)
جوانان در میان گل	جوانی به همراه باز شکاری
	
(URL4)	(URL3)
هاربی	جوانی با باز شکاری

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران و محققان بسیاری به مطالعه نقوش اساطیری، پارچه‌های دوره سلجوقی، و سفال‌های این عصر پرداخته‌اند. بر همین اساس دو گروه از پژوهش‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با موضوع مقاله حاضر مرتبط هستند. گروه اول پژوهش‌هایی هستند که از نظر «داده» با تحقیق حاضر یکی هستند یعنی درباره پارچه‌ها و سفال‌های دوره سلجوقی هستند. در گروه دوم، پژوهش‌هایی جای دارند که از نظر «رویکرد» با پژوهش حاضر تشابه دارند یعنی با رویکرد اسطوره‌شناسی به بررسی آثار هنری پرداخته‌اند.

فریده طالب‌پور (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «تکنیک‌های پارچه‌بافی در صدر اسلام و عصر سلجوقی» به شیوه‌های بافت پارچه در ایران و معرفی نمونه‌های منسوجات پرداخته‌است. رویکرد او در این پژوهش تاریخی-توصیفی بوده و بر داده‌هایی شامل شناسایی مراکز مهم تولید پارچه، طرح‌ها و نقوش تزئینی منسوجات، انواع پارچه و تکنیک‌های پارچه‌بافی در دوره‌های اولیه اسلامی و عصر سلجوقی متمرکز است. طالب‌پور چنین نتیجه گرفته که بافندگان با تغییر در تکنیک‌های بافت و استفاده از دستگاه‌های بافندگی طرح‌های جدیدی خلق کرده‌اند. عسل زند داوودی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقوش دستبافته‌های (پارچه‌ای) دوره سلجوقی و ایلخانی» به موضوع پارچه‌بافی در دوره سلجوقی و پس از آن پرداخته‌است. رویکرد او در این پژوهش توصیفی-تاریخی بوده و بر داده‌هایی شامل طبقه‌بندی نقوش، رنگ و بافت، همچنین نوع پوشاک و مراکز پارچه‌بافی متمرکز است. وی چنین نتیجه گرفته که تا قرن‌ها در بافته‌های دوران اسلامی تکنیک عصر ساسانی ادامه یافت ولی بعد از حمله مغول روش‌های تزئینی چینی در صنعت نساجی رسوخ می‌کند. دادور و حدیدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقوش منسوجات قرون اولیه اسلامی (از قرون اول ه.ق تا اواخر دوره سلجوقی)» به موضوع تأثیرپذیری نقش‌مایه‌های بافته‌شده روی پارچه‌ها از آیین نوین اسلام و هنر ایران قبل از اسلام در دوره مهمی از تاریخ، یعنی زمان تداخل آیین اسلام با فرهنگ باستانی پرداخته‌اند. رویکرد آن‌ها در این پژوهش تاریخی-تحلیلی بوده و بر داده‌هایی شامل پارچه‌های منقوش از پیش از اسلام تا دوران اسلامی متمرکز شده‌است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد منسوجات سلسله‌های اولیه اسلامی و دوره سلجوقی، مهارت در بافندگی و در طراحی نقوش را نشان می‌دهند و سنت‌های ساسانی را حفظ کرده‌اند. مهجور و علی‌نژاد اسبویی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی و آزمایشگاهی یک نمونه از پارچه‌های عصر سلجوقی موجود در موزه مقدم دانشگاه تهران» به موضوع شناسایی نوع الیاف به‌کار رفته در پارچه به وسیله ابزارهای الکترونیکی پرداخته‌اند. رویکرد این پژوهش تطبیقی بوده و بر داده‌هایی شامل نمونه آثار سفالی، چوبی،

پارچه و معماری متمرکز بوده‌است. این پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که با مطالعه تطبیقی برخی از آثار، می‌توان دوره تاریخی پارچه مذکور را به‌طور نسبی تعیین نمود. بنفشه میرزایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تاثیر شاهنامه فردوسی بر نقوش سفال‌های دوره سلجوقی» به بررسی مضامین روایی نقوش سفال‌های مذکور پرداخته‌است. رویکرد او در این پژوهش تطبیقی - روایی بوده و بر داده‌هایی شامل روایات شاهنامه روی سفالینه‌ها متمرکز بوده‌است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نقوش سفال‌های سلجوقی متأثر از ادبیات فارسی به‌خصوص شاهنامه بوده و برخی از روایات نیز قبل از سروده‌شدن شاهنامه رواج داشته‌اند و در این عصر با تألیف شاهنامه احیاء و تداوم یافته‌اند. با این همه، این پژوهش تنها به چند داستان اسطوره‌ای از شاهنامه پرداخته و اسطوره‌های گیاهی در آن مغفول مانده‌اند. تقی‌پور و فهیمی صفا (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های دوره سلجوقی تا قاجار» به وجوه مشترک و تفاوت نقوش لباس‌های دوره سلجوقی و قاجار پرداخته‌اند. رویکرد آن‌ها در این پژوهش تطبیقی بوده و بر داده‌هایی شامل طرح و نقش پارچه‌های قرون اولیه تا قاجار متمرکز است. این پژوهشگران چنین نتیجه گرفته‌اند که طرح و بافت منسوجات سلجوقی دارای استحکام بوده و از اصول پیشینیان بهره برده‌اند. محمدی، تندی و مازیار (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «معرفی و طبقه‌بندی سفالینه‌های دوره سلجوقی» به موضوع ظروف سفید و تزئینات آن هم‌چنین لعاب‌های تک‌رنگ و بدنه‌های سفال پرداخته‌اند. رویکرد آن‌ها در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و بر داده‌هایی شامل سفالینه‌های عصر سلجوقی متمرکز است. آن‌ها چنین نتیجه گرفته‌اند که سفال‌های سلجوقی به‌عنوان یکی از رسانه‌های هنری آن عصر نشان از شکوه و زیبایی هنر داشته و دوره سلجوقی را به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین دوره‌های سفال ایران معرفی کرده‌اند. کاظم ابراهیمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی منسوج دوره ایلخانی و آثار سفالین دوره‌های سلجوقی و ایلخانی» به موضوع تاثیرگذاری دو هنر سفالگری و پارچه‌بافی بر یکدیگر پرداخته‌است. رویکرد این پژوهش تطبیقی - تاریخی بوده و بر داده‌هایی شامل فرم و نقش پارچه‌های ایلخانی، ظروف زرین‌فام و مینایی کاشان متمرکز است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به مصادیق موجود از تأثیرات نقوش پارچه بر نقوش سفالینه‌ها شاهد اعتبار فراوان سفال‌های این اعصار هستیم به گونه‌ای که نقوش آن‌ها مایه و منبع الهام پارچه‌بافی گشته‌اند. در تمامی پژوهش‌هایی که معرفی شدند، موضوع خوانش اسطوره‌ای نقوش مغفول مانده‌است.

محمدرضا یوسفی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «در هزارتوی اسطوره‌های آفرینش» به موضوع اسطوره آفرینش در بین اقوام مختلف پرداخته‌است. رویکرد او در این پژوهش با تکیه بر مشترکات اسطوره آفرینش ایرانی با چند قوم دیگر بوده و بر داده‌هایی شامل ادوار آفرینش، نحوه خلقت آسمان، زمین، انسان و سایر موجودات متمرکز بوده‌است. وی چنین نتیجه گرفته که در باب آفرینش جهان، خلقت آسمان و زمین، هیأت و شکل آسمان، آفرینش انسان و سایر موجودات، تشابهات فراوان اساطیری مشاهده می‌شود. با این همه، موضوع اساطیر گیاهی در این پژوهش مغفول مانده‌است. مهرداد بهار (۱۳۷۴) در کتاب جستاری چند در فرهنگ ایران به موضوع اسطوره پرداخته‌است. رویکرد او در این کتاب با تکیه بر خاستگاه اساطیر هند و اروپایی بوده و بر داده‌هایی شامل اقوام هند و اروپایی و گسترش جغرافیایی آنان از حدود سه هزار سال ق.م متمرکز بوده‌است. جلال ستاری (۱۳۸۰) در کتاب اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل، به موضوع اسطوره‌های هند و اروپایی و هند و ایرانی پرداخته‌است. رویکرد او در این کتاب سیر اندیشه‌ها و نگاه اسطوره‌شناسی دومزیل بوده‌است. مهرداد بهار (۱۳۹۱) در کتاب پژوهشی در اساطیر ایران با رویکرد تألیفی، بر داده‌هایی شامل برگردان فارسی گزیده‌هایی از متن‌های فارسی میان «بندش»، «روایت پهلوی»، «دینکرد هفتم»، «گزیده‌های زادسپرم»، «زند و ندیداد»، «متن‌های پهلوی» و «ارداویرافنامه»، «اسطوره چیست» و «سرزمین مردم» متمرکز بوده‌است. کارل گوستاو یونگ (۱۳۸۲) در کتاب روانشناسی و دین به موضوع مطالعه افسانه‌ها و اساطیر و معتقدات و رسوم دینی اقوام مختلف در قاره آفریقا و آمریکا و خاور دور پرداخته‌است. رویکرد او در این کتاب علم روان‌شناسی و سیر در اقوال و عقاید مربوط به مابعدالطبیعه و رموز و کنایات مناسک دینی بوده‌است. جلال ستاری (۱۳۸۹) در کتاب جهان اسطوره‌شناسی، به موضوع فهم آیین از نگاه اسطوره پرداخته‌است. رویکرد او در این کتاب اسطوره‌باور بوده و تمرکزش را بر شناخت تأثیر مثبت یا منفی کهن‌الگوها و اسطوره‌ها و افسانه‌ها در ناخودآگاه جمعی معطوف نموده‌است. جوزف کمبل (۱۳۷۷) در کتاب قدرت اسطوره، به موضوع شناخت اسطوره پرداخته و کوشیده نشان دهد رابطه بین اسطوره‌های هر منطقه با انسان‌های معاصر و دنیای مدرن چگونه‌است. محسنی‌نیا و امیری‌فر (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «سیاوش و خویشکاری ایزدان گیاهی (بررسی شباهت‌ها و زیرساخت‌ها در اساطیر)» به موضوع جلوه‌های گوناگون روایات اسطوره‌ای پرداخته‌اند. رویکرد این پژوهش تطبیقی بوده و بر داده‌هایی شامل زیرساخت‌های اسطوره سیاوش،

منابع
بهره‌های ایرا

هم‌سنجی اساطیر گیاهی در
سفالینه‌های سلجوقی با یک
قطعه پارچه محفوظ در موزه
ویکتوریا و آلبرت، زهرا قدس‌نژاد
و همکاران، ۶۸:۴۹

خوشکاری و ایزدان نباتی متمرکز است. پژوهشگران چنین نتیجه گرفته‌اند که عمده ایزدان کشاورزی و حاصل‌خیز، ایزدان نرینه و گیاهی هستند. با این وجود، در این پژوهش موضوع ارتباط این ایزدان با امشاسپندان مغفول مانده‌است. دادور و نمازعلیزاده (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدپژوهی اندیشه زرتشتی در بشقاب فلزی ساسانی و سفالینه‌های سلجوقی» در مطالعه یک بشقاب ساسانی و دو سفال سلجوقی به بررسی جایگاه استعلایی انسان‌هایی که یاری‌گر امشاسپندان در صیانت از آب و گیاه هستند، پرداخته‌اند. رویکرد آن‌ها در این پژوهش تاریخی - تحلیلی بوده و بر داده‌هایی شامل دو پیکره نشسته در کنار درخت، و برکه آب با ماهی‌های شناور متمرکز است. آنان چنین نتیجه گرفته‌اند که هنرمندان ایرانی در دوره‌های تاریخی ساسانی و سلجوقی در بقای عالم مادی کوشیده‌اند، با این همه، موضوع امشاسپندان به‌مثابه اساطیر گیاهی در این پژوهش مغفول مانده‌است.

۳. اساطیر نباتی

مطالعه اساطیری که امروزه به ما رسیده‌اند، شباهت بسیاری به مطالعه باستان‌شناختی یک سایت باستانی دارد که به تازگی حفاری شده‌است. رمزگشایی و تفسیر بازمانده‌های اساطیری بسیار شبیه تفسیر یک باستان‌شناس از بازمانده‌های تمدنی گمشده در تاریخ است. از آن‌جا که نسبت معناداری بین اسطوره و زندگی در جامعه وجود دارد، ماهیت آن یک پدیده و برساخته اجتماعی است. در ایران باستان گیاهان جایگاه اساطیری داشته و ریشه در داستان نخستین مشی و مشیانه دارند (مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۴۶).

در اوستا هروتات و امرتات و در پهلوی خردات و امردات آمده‌است. این دو فرشته همیشه با هم نامیده می‌شوند و نسبت به سایر امشاسپندان از آن‌ها کمتر اسم برده شده‌است. هروتات از کلمه هرو^۱ مشتق است که در گات‌ها و سایر قسمت‌های اوستا بسیار به کار رفته و به معنی کامل، تمام، بی‌نقص و بی‌عیب می‌باشد. همین کلمه در کتاب لغت فرس اسدی در خطوط میخی هرو^۲ آمده‌است. در سانسکریت سرو^۳ گویند، بنابراین خرداد یعنی کمال و رسایی و صحت؛ گذشته از آن که حفاظت یکی از ماه‌های سال به این فرشته سپرده شده‌است. امرداد یعنی بی‌مرگی یا به عبارت دیگر جاودانگی. این دو فرشته مظهر کمال و دوام اهورامزدا در جهان دیگر و بخشایش رحمانی جزای اعمال نیکوکاران هستند. اهورامزدا خوشی (خرداد) و جاودانی (امرداد) را به کسی می‌بخشد که در دنیا پندار و گفتار و کردارش بر طبق آیین مقدس بوده‌است. در عالم مادی، پرستاری آب با خرداد و نگهداری گیاه با امرداد می‌باشد. این دو وظیفه برای آنان از زمان قدیم معلوم بوده‌است (پورداد، ۱۳۷۷: ۹۵). خرداد به معنای تمامیت، کلیت و کمال است. در اوستا این واژه هتوروات گفته شده، او امشاسپندی مؤنث است و در متن‌ها معمولاً نام او همراه با مرداد ذکر شده‌است. او پنجمین امشاسپند و مظهری از کمال اهورامزداست. خرداد آب را حمایت می‌کند و در بارش باران همکاری دارد. دیگر همکاران خرداد، تیشتر، باد و فروهر پرهیزگاران هستند. خرداد نام روز ششم ماه و ماه سوم سال نیز هست (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). هوم نیز گیاهی مقدس است و مراسم آیینی گرفتن شیره این گیاه با شماری از پدیده‌های آسمانی چون درخشیدن خورشید و نزول باران پیوند دارد. با این همه هوم را موبدی ایزدی می‌دانند که قربانی شدن و مرگ او سبب شکست شر و شرکت وفاداران^۴ او در ضیافت آیینی، خاستگاه زندگی است (هینلز، ۱۳۹۱: ۹۴). از جمله خدایان نباتی می‌توان به سیاوش، اوزریس^۵ و آتیس اشاره کرد. خدایان نباتی پیوندی استوار با طبیعت دارند، چرا که مرگ و رستاخیز آن‌ها در واقع یادآور زمستان و بهار طبیعت است. اما پیوند آن‌ها با طبیعت به یک شکل ظهور نیافته، بلکه رابطه هر خدای نباتی با طبیعت، ممکن است به شکلی دیگرگونه تبلور یافته‌باشد. سیاوش از جمله خدایانی است که پیوند استوار با طبیعت به شکل رویدن گیاه از خون او پدیدار می‌شود. یکی از کهن‌الگوهای معروف در گستره اساطیر جهان، رویدن گیاه از خون خدای گیاهی است که این امر پیوند هرچه استوارتر خدای گیاهی با سرسبزی و باروری طبیعت را نشان می‌دهد، چنان‌که میرچا لیاده نیز بر این باور است که ارتباط خدایان نباتی با طبیعت، سرشت بارورانه آن‌ها را برجسته‌تر می‌کند (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۷۰-۲۷۱).

معمولاً هر خدای نباتی، زوجی را در کنار خود دارد که گاهی مادر، خواهر یا معشوقه اوست. این زوج که خود نیز الهه باروری است، زمینه مرگ خدای نباتی را فراهم می‌کند تا پس از آن با مویه‌های فراوان باعث رستاخیز خدای نباتی شود؛ چرا که مرگ و رستاخیز خدای نباتی، نماد مرگ و حیات طبیعت است (بهار، ۱۳۷۴: ۹۴). بیرلین بیان می‌دارد: خدای نباتی الهه کشاورزی است و ممکن است بازمانده یک کهن‌الگو باشد (بیرلین، ۱۳۸۶: ۴۰). ایزدان انسان‌گونه که نماد زمین‌های بارور، غلات، تاک‌ها و بذرها و گل‌ها و هم‌چنین نماد زمین‌های آبیاری‌کننده زمین و نیز ماه کامل هستند. در عصر کشاورزی و یک‌جانشینی، قانون وضع می‌کنند و پرستشگاه می‌سازند تا مردم به یاری ایزدان، با صلح زندگی کنند (مصطفوی کاشانی، ۱۳۸۹: ۹۴). جیمز فریزر می‌گوید:

همه ادیان در اصل آیین‌های باروری بوده‌اند، متمرکز بر گرد پرستش و قربانی کردن آدواری فرمانروای مقدس که تجسد خدایی میرنده و زنده‌شونده، الوهیتی خورشیدی بود و به وصلتی رمزی با الهه زمین تن درمی‌داد و هنگام خرمن می‌مرد و به وقت بهار تجسد دوباره می‌یافت. این افسانه عصاره تقریباً همه اساطیر عالم است. (۱۳۷۴: ۷)

مهرداد بهار نیز در این باره چنین می‌گوید: «آیین‌هایی برای بارورکردن زمین‌ها و برای نابودکردن نیروهای شر که برکت را از بین می‌برند، باید به‌وجود بیاید در سرتاسر جهان، در نزد تقریباً همه اقوام، خدایان یک وجه مشترک دارند و آن این است که برکت می‌بخشند» (۱۳۷۴: ۲۹۴، ۳۰۸). خدایان نباتی بر مبنای روایت‌ها آیین‌ها و مناسک خاصی را به خود اختصاص دادند و اقوام بدوی کوشیدند با بزرگداشت این خدا، باروری طبیعت را تضمین کنند (رضایی دشت ارژنه و گلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۰). الکساندر مونگیت، سنگ‌نگاره‌ای مربوط به هزاره سوم ق.م در حوالی سمرقند کشف نموده که سوگ سیاوش، به‌روشنی بر آن حک شده‌است (حضور، ۱۳۸۴: ۲۶). کریستن سن، سیاوش را مربوط به عهدی پیش از زرتشت می‌داند که بعدها با دین زرتشت، پیوند یافته‌است (۱۳۸۱: ۴۷). از این رو، سیاوش در اوستا نمود بارزی نداشته و از ماجرای پریچ و خم او، چنان‌که در شاهنامه آمده، اثری نیست و بیش‌تر از کین‌ستادن او سخن رفته‌است، برخلاف شاهنامه، سیاوش در اوستا، مقام پادشاهی و فره ایزدی دارد (شکیبی ممتاز، ۱۳۸۹: ۱۱۰). یاحقی می‌گوید: سیاوش، در مفهوم اساطیری خویش، نماینده نابودی و رستاخیز است و بهار و خزان گیاه را در زندگی و مرگ خویش مجسم می‌کند و از این حیث، شبیه به «تموز» بابلی و «اوزیس» مصری و «ادونیس»^۷ فینیقی و یونانی می‌شود. این هر سه، پروردگاران رویدنی و باروری هستند و افسانه آن‌ها کنایه از تناوب زندگی و مرگ است (۱۳۸۸: ۲۶۴).

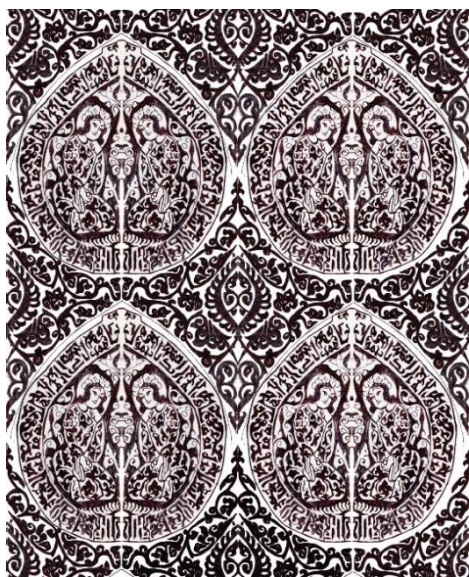
۴. پارچه دوره سلجوقی محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن

یکی از قبایل ترک‌زبانی که موفق شد حکومت غزنویان را به همراه حکومت‌های پراکنده دیگر شکست داده و قلمرویی یک‌پارچه فراهم آورد، سلجوقیان از نژاد غُز یا اُغُز بودند که به زبان ترکی سخن می‌گفتند. نسب این قبیله، به شخصی به نام سلجوق بن دقاق می‌رسید که نخستین شخص در قبیله خود بود که مسلمان شده بود (باسورث، ۱۳۶۶: ۲۵). عصر سلجوقی یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی در هنر ایران است، زیرا به‌واسطه تأمین امنیت در ایران از طریق یکپارچه‌ساختن آن زیرنظر حکومتی مرکزی که از لحاظ اداری و سیاسی به‌دست وزرای عالم ایرانی نظیر عمیدالملک کندری و خواجه نظام‌الملک اداره می‌شد، آرامش و آسایشی پدید آمد که به هنرمندان فراغ‌بال داد. در سایه امنیت عصر سلجوقی، هنر - صنعت پارچه از وحدت و انسجام بی‌نظیری برخوردار شد (لمتون، ۱۳۸۱: ۲۰۱). این پارچه‌ها در ابتدا دارای طرحی ساده بودند اما بعدها طرح‌ها دقیق‌تر و پیچیده‌تر گشتند (حلمی، ۱۳۸۴: ۱۹۴). آن‌ها در ترسیم درخت مقدس زندگی و تاک‌های پیچاپیچ و نخل‌های زنده و خطوط زیبا و مجلل و شکل‌های نرم و ظریف جانوران و صورت‌های متین و موقر و ترکیبات پرنقش، یگانه و نمونه بوده‌اند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ج. ۵: ۲۳۳۵).

پارچه مورد مطالعه در این پژوهش، قطعه پارچه‌ای از دوره سلجوقی است که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن با شماره T.94-1937 نگهداری می‌شود (تصاویر ۱ و ۲). چنین به نظر می‌رسد این پارچه، تکه‌تکه بوده و تکه‌های آن در مجموعه‌های مختلف نگهداری می‌شوند. این اثر تفسیری موزون و پرمعنا از انسان را دربر می‌گیرد که در نهایت ذوق و زیبایی نسبت به سایر پارچه‌های ابریشمی بافته شده‌است (همان: ۲۳۲۴).

مناحیر
بهره‌های ایرا

هم‌سنجی اساطیر گیاهی در
سفالینه‌های سلجوقی با یک
قطعه پارچه محفوظ در موزه
ویکتوریا و آلبرت، زهرا تقدس‌نژاد
و همکاران، ۶۸:۴۹



تصویر ۲: طرح خطی پارچه (نگارندگان)



تصویر ۱: پارچه ابریشمی با بافت مرکب، سده ششم هجری (URL1)



تصویر ۳: طرح خطی کتیبه اطراف ترنج (نگارندگان)

روح فر در کتاب نگاهی به پارچه‌بافی دوران اسلامی درباره این پارچه چنین آورده است:

بر حاشیه قابی که دور نقش مذکور قرار دارد به خط کوفی یک بیت شعر بافته شده است. وکل ابن انثی و ان طالت سلامتہ / یوم علی آتہ الحدباء محمول. ترجمه شعر: انسان هر قدر سالم و قوی باشد بالاخره روزی بر روی تابوت قرار خواهد گرفت. (۱۳۸۰: ۲۵-۲۶)

این شعر به صورت قرینه در دو طرف نقش آمده (تصویر ۳) و با توجه به معنایی که از آن دریافت می‌شود و نقش دو جوان نشسته در کنار درخت زندگی‌ای که ریشه در آب دارد، معانی مختلفی برداشت می‌شود که یکی از آن‌ها خدایان نباتی هستند. تفسیر دیگری که از این نقش استنباط می‌شود نماد هورتات^۱ و امرتات^۲ است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. سپندارمذ، هورتات و امرتات از امشاسپندان مؤنث هستند و در ذات مینوی خود تجلی بردباری، دوستی و فروتنی و در جلوه مادی خود نگاهبان زمین، پاکی و باروری هستند (اسماعیل نیا گنجی، فرصتی جویباری و پاشاپاسندی، ۱۳۹۸: ۳۲).

۵. سفالینه‌های سلجوقی

در عصر سلجوقی، سفالگری پیشرفت چشم‌گیری نمود و در نقوش این آثار، بازگشت به سنت‌های هنری پیشین ایران قابل مشاهده است. در این زمان موضوعاتی چون شکارگاه، نقوش متقارن، نقوش انسانی، حیوانی و اساطیری دوباره تکرار می‌شوند (پاکباز، ۱۳۸۵: ۵۷۶). از ویژگی‌های بارز هنر سلجوقی استفاده از نقش درخت زندگی در کنار استخر یا چشمه آبی روان در میان دو سوزنه است، گاهی در اطراف آن‌ها پرندگان در حال پرواز هستند (همو، ۱۳۸۰: ۶۰).

اولین سفال مورد بررسی در این پژوهش فرم مدوری دارد که در حاشیه آن نقوش ختایی آمده و درون آن دو جوان شبیه به یکدیگر در دو طرف یک سرو، و مقابل برکه آبی نشسته‌اند، در داخل برکه ماهی‌هایی قابل مشاهده هستند. در اطراف درخت و بالای سر دو جوان، پرنده‌ها در حال پروازند (تصویر ۴). نمونه بعدی دارای دو ردیف نقش کتیبه‌ای در حاشیه است که به خط ثلث و دارای اشعاری از مولانا و بابا افضل کاشانی است. در مرکز اثر، چند جوان شبیه به یکدیگر در دو طرف درخت سرو مشغول گفتگو هستند و زیر درخت، برکه‌ای با ماهی ترسیم شده است (تصویر ۵).

همان‌طور که در تصویر (۶) مشهود است این ظرف شامل یک حاشیه دایره‌ای است که دو درخت، دو جوان و نقوش دیگر را دربر گرفته است. در میان فرم درختان دو جوان در دو سوی یک درخت سرو، مقابل هم نشسته‌اند. زیر پای آن‌ها برکه‌آب با تعدادی ماهی قرار دارد. بالای سر و اطراف آن‌ها پرنده‌هایی دیده می‌شوند. سفالینه دیگر دارای نقوش انبوه گیاهی در فرم دایره است. دو جوان در دو سوی درخت سرو نشسته‌اند و در میان گل‌ها محصور و پنهان هستند و حاشیه‌ای با خط کوفی آن‌ها را دربر گرفته است. در این ظرف نیز برکه‌آب و ماهی دیده می‌شود (تصویر ۷). در این سفال‌ها گاهی پیکره‌ها یک شکل و با لباس مشابه هستند. گاهی نقش تمامی فضای ظرف را پر کرده و هنرمند خطی تزئینی برای جدا کردن آب از خشکی ترسیم نموده‌است. اکثر این انسان‌ها ردای بلندی بر تن دارند که تزئینات مختلفی را دارا هستند. پیکره‌ها گاه کلاه، سربند، تاج یا دستار بر سر دارند و گاهی در حلقه‌ای از گل و در مواردی در حاشیه‌ای با نوشته کوفی محصور شده‌اند.



تصویر ۶: سفال سلجوقی، موزه متروپلیتن (URL7)



تصویر ۵: سفال سلجوقی، موزه بروکلین (URL6)



تصویر ۴: سفال سلجوقی، مجموعه خلیلی (URL5)



تصویر ۹: سفال سلجوقی، در مجموعه بانو ای. پاراویچینی (همان: ۶۹۳)



تصویر ۸: سفال سلجوقی، در مالکیت ربنو (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ج. ۹: ۶۹۱)



تصویر ۷: سفال سلجوقی، موزه متروپلیتن (URL7)

همسنگی اساطیر گیاهی در سفالینه‌های سلجوقی با یک قطعه پارچه محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت، زهرا تقدس‌نژاد و همکاران، ۶۸۴۹

۶. هم‌سنگی نقوش پارچه منتخب و سفالینه‌ها

برای خوانش نقوش پارچه و سفال‌های مورد بحث، هم‌سنگی معنای به کار رفته در آن‌ها با مراجعه به دیگر متونی که با آن در ارتباط است دریافت می‌گردد. بر این اساس انتقال معنا از یک متن به مخاطب، بی‌واسطه محقق نمی‌شود، بلکه کدگشایی از رمزگان موجود در میان متن مورد نظر با متن اصلی باعث کشف معنا توسط مخاطب متن خواهد شد (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). از نظر بصری همه متن‌های مورد بحث در این پژوهش دارای نقش دو جوان، با ترکیب بندی درخت و برکه آب هستند که از منظر اسطوره‌شناسی خوانش می‌گردند.

الف) درخت زندگی

از الگوهای مشترک در میان تمدن‌ها می‌توان به درخت اشاره کرد که نماد نوزایی و حیات است. درباره درختی که از مرکز زمین به سوی عرش سر برافراشته و سه جهان را به هم پیوند می‌داد روایت‌های بسیاری شده‌است. درختی که از میوه‌اش تمام موجودات به‌وجود آمده‌اند (پروس، ۱۳۶۷: ۴-۹). در میان مردم ایران، درخت نماد رشد و زندگی و از تقدس برخوردار بوده‌است. این باور در میان سومریان، به معنای نو شدن جهان

بود. نخل را درخت زندگی در باور بابلی‌ها و فنیقی‌ها دانسته‌اند، اما آشوری‌ها درخت مو را درخت زندگی می‌دانستند. برای ایرانیان باستان، سرو نماد زندگی بود (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۵۵-۳۷۸). در روایات اسلامی ایده درخت در جایگاه اساطیر گاهی منعکس کننده رابطه بین خدا و انسان است. درختان مانند انسان و حیوان زنده بودند، نمای نمادین درخت نه تنها در ظاهر آن است، بلکه تأثیر آن بر زندگی مردمی است که در طول قرن‌ها از مکان آن محافظت کرده‌اند. همانند صحبت درختی آتشین با حضرت موسی (ع) که نگاه نمادین به درخت و تأثیر آن در زندگی مردم را نشان می‌دهد که جایگاه خود را در تمام اعصار حفظ کرده‌است (پورآذر، ۱۳۹۵: ۱۶).

ب) نقش آب

آب به عنوان عنصر حیاتی و یکی از عناصر چهارگانه نزد همه اقوام شناخته شده که از ابتدا بی‌واسطه مورد پرستش و احترام قرار گرفته و مقدس شمرده شد (دلانو، ۱۳۶۶: ۱۳۷). در بندهش آمده است: «نخست آسمان را آفرید و سپس آب را» (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹: ۴۱). فرشته نگهبان برای آب در اساطیر، آناهیتا یا ناهید در نظر گرفته شده‌است (بیرونی، ۱۳۵۲: ۳۰۳). آناهیتا در اساطیر ایرانی نشان از رود نیرومند پاک است که با این الهه، مفاهیمی چون آب، باران، فراوانی، رستنی‌ها، حاصلخیزی، برکت، عشق، پیروزی و ... همراه است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۸۱۴). «آپام نیات نیز که از خدایان قدیمی به شمار می‌آید، به معنی زاده "آب" بود؛ ایزدی که جاندار تصور می‌شد و از آب زاده گردیده و به نوبه خود حافظ و نگهبان آب شده بود» (قرشی، ۱۳۸۰: ۲۰۷). «او یکی از سه خدای بزرگی بود که لقب "هوره" داشت. ایزد آب‌ها، نیرومند و بلند بالاست و مانند امشاسپندان درخشان است» (آموزگار، ۱۳۹۱: ۲۲). تیشتر حامی و نگهبان آناهیتا در اندیشه ایرانیان است و با پدیده طبیعی باران ارتباط دارد و به نبرد اپوش دیو خشک‌سالی می‌رود (هینلز، ۱۳۹۱: ۳۷). در بین‌النهرین «[ا]» اسطوره و ایزد آب شیرین است و چشمه‌هایی که از زمین جاری می‌گردند تا مزارع را آبیاری کنند با او در ارتباط بودند (ژیران، لاکوته، و دلاپورت، ۱۳۸۲: ۶۸). در ودهای هندی، سرسوتی خدایانوی آب بود و مورد تکریم هندیان قرار می‌گرفت (ایونس، ۱۳۸۱: ۱۵۸). در بیش‌تر ادیان، آب نشان تطهیر و پاکی است (بهمنی، ۱۳۸۹: ۴۴۵). آب نمادی از مرگ و تولد است (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۶۱). آب رمزی از جاودانگی و بی‌مرگی و نماد زندگی است (همان: ۱۵۶).

ج) ترکیب بندی

در پارچه منتخب، هنرمند با تکیه بر فرم کلی ترنج که توسط خطوط کوفی محصور شده، همراه با نقوش گیاهی‌ای که حد فاصل آن‌ها را پر کرده‌اند، فرم کلی هندسی و قابل تکراری به وجود آورده‌است. نمونه‌های سفالی مورد بررسی نیز دارای طرح کلی به فرم دایره هستند. ترکیب بندی پارچه و سفال‌های مورد نظر دو شخصیت در دو سوی یک درخت نشسته‌اند و برکه آبی زیر پای آن‌ها جاری است.

جدول ۲: مقایسه تحلیلی نقوش موجود روی پارچه منتخب و سفالینه‌ها (نگارندگان)

ردیف	جزئیات تصویر
۱	
مقایسه نقوش	هم در پارچه هم در سفالینه‌ها، درختی در میان دو پیکره انسانی دیده می‌شود.
تحلیل نقوش	درخت مقدس بازتاب رابطه خدا و انسان، ارواح مقدس و مرکزیت جهان، نماد طبیعت است. درخت سرو به سبب سبز بودن همیشگی آن، نماد نامیرایی و جاودانگی است.

جزئیات تصویر							ردیف
							۲
هم در پارچه هم در سفالینه‌ها زیر درخت برکهٔ آبی جای دارد.							مقایسهٔ نقوش
آب نماد پاکی، شفافیت و نشان تطهیر، جاودانگی، حیات ابدی و عقل و خرد است.							تحلیل نقوش
							۳
هم در پارچه، هم بر روی سفالینه‌ها دو شخصیت یا گروهی روبه‌روی هم نشسته‌اند.							مقایسهٔ نقوش
دوقلوها، خرداد، امرداد، امشاسپندان که واسط بین خالق و مخلوقند و راهنمای نیکوکاران به سمت بهشت هستند. تشخیص زن و مرد بودن پیکرها دشوار است. تقارن و تعادل در هر هفت اثر به خوبی نمایان است.							تحلیل نقوش

با توجه به تقدس آب و گیاه در پیشینهٔ فرهنگی و تاریخی، همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌گردد استفاده از درخت و آب در کنار نقش انسان فقط برای تزیین نبوده و محفلی برای بیان باورها و اعتقادات هنرمند بوده‌است، کهن‌الگوهایی که از ناخودآگاه جمعی سرچشمه گرفته‌اند. درخت در مفهوم عرفانی آن به ارتباط متقابل تمام اجزای حیات بر روی زمین در همهٔ اعصار اشاره دارد. حیات، رشد و سرزندگی درخت در کنار آب باعث گردیده زندگی روی زمین ادامه یابد.

۷. نتیجه‌گیری

در عصر سلاجقه نهضتی کم‌نظیر در عرصهٔ هنر به‌وجود آمد. مطالعات پژوهش حاضر مشخص نمود خوانش معانی نهفته در سفالینه‌های سلجوقی و پارچهٔ منتخب این پژوهش با مفاهیم اسطوره‌ای نسبت دارد. اسطوره‌ها در طول تاریخ رواج داشته و با چارچوب فکری، ایدئولوژی، سنت‌ها و آیین‌های مرتبط با فرهنگ یا گروهی از مردم مرتبط بودند. اغلب آن‌ها، پایهٔ روایت‌های امروزی هستند و بخش عمده‌ای از میراث فرهنگی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و پیشینهٔ جامعه ایفا می‌نمایند.

با توجه به جایگاه معناشناختی الگوهای بصری، نشان‌های اساطیری در پارچه و سفالینه‌های سلجوقی به‌طور یکسان نمود یافته‌اند. همچنین نقوش حک‌شده بر این آثار، اعتقادات، باورها و نحوهٔ زندگی در آن عصر را بازنمایی می‌کنند. این نقوش بر روی آثار سلجوقی به لحاظ مفهوم و محتوا از اهمیت زیادی برخوردارند. با توجه به نوشتهٔ موجود بر روی پارچه، «وکل ابن انثی و ان طالت سلامت / یوم علی آلته الحدباء محمول: انسان هر قدر سالم و قوی باشد بالاخره روزی بر روی تابوت قرار خواهد گرفت»، به نظر می‌رسد طراح پارچه از این نمادها برای نشان‌دادن حرکت به سوی خالق بعد از مرگ استفاده کرده‌است. پس از ظهور اسلام آموزه‌های دینی با فرهنگ و هنر ایران باستان در می‌آمیزند و به آن گسترش و اعتلایی عمیق می‌بخشند. هورتات و امرتات نشان از تمامیت و کمال، بی‌مرگی و تجلی رستگاری و جاودانی دارند. در زمینهٔ نقوش سفالینه‌ها، استفاده از تصاویر انسانی و جانوری با الگوی روایی ثابت مورد استفاده قرار گرفته‌است.

مقولهٔ اسطوره یکی از کلیدی‌ترین موضوعات فرهنگی است. اسطوره‌ها عرصهٔ برآورده‌شدن آرمان‌ها و آرزوهای بشر کمال‌طلب است. از آن‌جا که رخدادهای جامعه و حضور قدرت‌های سیاسی - فرهنگی جواگوی تحولات نیستند، نظام اساطیری در فرم و محتوا به‌واسطهٔ مبادلات فرهنگی توانست این نقصان را جبران نماید و وام‌گیر اعصار قبل از خود باشد. گیاهان نماد مرگ و رستاخیز، قوهٔ حیات و چرخهٔ زندگی، زایش، برکت، نظم و ... هستند.

1. Haurva
2. Haruva
3. Sárva
4. Osiris
5. Atis
6. Tamouz
7. Odunis
8. Haurvatat
9. Ameretat

منابع

- ابراهیمی، کاظم. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی منسوج دوره ایلخانی و آثار سفالین دوره‌های سلجوقی و ایلخانی. هنرهای صنایع ایران، ۳(۱)، ۴۷-۶۲. doi: 10.22052/3.1.47
- اسماعیل‌نیا گنجی، حجت‌الله، فرصتی جویباری، رضا، و پاشاپاسندی، حسینعلی. (۱۳۹۸). تحلیل ساختاری کمال دیوان و امشاسپندان با نگاهی به آیین مزدیسنا و اسطوره‌های پیش‌آریایی. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ۱۵(۵۷)، ۱۳-۳۹. dor: 20.1001.1.20084420.1398.15.57.1.5
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). اسطوره، بیان نمادین. تهران: سروش.
- اکبری، پریسا. (۱۳۹۳). آب در دنیای باستان: کتاب اول خاورمیانه و بخش‌هایی از اروپا. تهران: تیسرا.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۸۱). اساطیر مصر. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- آموزگار، زاله. (۱۳۹۱). تاریخ اساطیری ایران. چاپ سیزدهم. تهران: سمت.
- باسورث، سی. ای. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴-۳۹۰ هجری / ۱۲۱۷-۱۰۰۰ میلادی). در جی. آ. بویل، تاریخ ایران کمبریج. از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- برزین، پروین. (۱۳۴۶). پارچه‌های قدیم ایران. هنر و مردم، ۵(۵۹)، ۳۹-۴۴.
- بروس، ژاک. (۱۳۶۷). درخت مقدس. پیام یونسکو، شماره ۲۲۴، ۴-۹.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۴). جستاری چند در فرهنگ ایران (ج. ۲). تهران: اسطوره.
- (۱۳۹۱). پژوهشی در اساطیر ایران. چاپ چهارم. تهران: آگه.
- بهزادی، رقیه. (۱۳۸۰). نماد در اساطیر. کتاب ماه هنر، شماره ۳۵ و ۳۶، ۵۲-۵۶.
- بیرلین، ج. ف. (۱۳۸۶). اسطوره‌های موازی. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۵۲). آثار الباقیه عن القرون الخالیه. ترجمه علی‌اکبر داناسرشت. تهران: ابن سینا.
- بهمنی، پردیس. (۱۳۸۹). سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران. با همکاری الیاس صفاران. تهران: دانشگاه پیام نور.
- پاکباز، روبین. (۱۳۸۰). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین.
- (۱۳۸۵). دایره‌المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
- پوپ، آرتور آپهام، و آکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز). ترجمه نجف دریابندری و دیگران. تهران: علمی فرهنگی.
- پورآذر، منیره. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی نماد درخت در ایران باستان با اسلام و نمود آن در آثار هنری. همایش بین‌المللی شرق‌شناسی و مطالعات ایرانی، علیگر هند. دوره دوم.
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۷۷). پشت‌ها. تهران: اساطیر.

- تقی‌پور، پریسا، و فهیمی صفا، ملیحه. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های دوره سلجوقی با قاجار. کنفرانس سن‌پترزبورگ - روسیه. حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۴). نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران. فصلنامه هنر، شماره ۲۸، ۳۵۵-۳۷۸.
- حصوری، علی. (۱۳۸۴). سیاوشان. تهران: نشر چشمه.
- حلمی، احمد کمال‌الدین. (۱۳۸۴). دولت سلجوقیان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). نقوش و نمادهای گیاهی و حیوانی در سفالینه‌های دوران اسلامی ایران. نگارینه هنر اسلامی، شماره ۴، ۴ - ۱۹. doi: 10.22077/nia.2014.490
- دادور، ابوالقاسم، و حدیدی، الناز. (۱۳۹۰). بررسی نقوش منسوجات قرون اولیه اسلامی (از قرن اول ه.ق تا اواخر دوره سلجوقی). جلوه هنر، ۳(۲)، ۱۶-۲۲. doi: 10.22051/jzh.2014.21
- دادور، ابوالقاسم، و روزبهانی، رویا. (۱۳۹۸). بازتاب طبیعت در گستره اساطیر ایران. جلوه هنر، ۱۱(۲۲)، ۶۳-۷۳. doi: 10.22051/jzh.2019.7486.1030
- دادور، ابوالقاسم، و نمازعلیزاده، سهیلا. (۱۴۰۱). پیامدپژوهی اندیشه زرتشتی در بشقاب فلزی ساسانی و سفالینه‌های سلجوقی. هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)، ۲۷(۲)، ۳۳-۳۸. doi: 10.22059/jfava.2021.332249.666807
- دلاشو، م. لوفلر. (۱۳۶۶). زبان رمزی قصه‌های پریوار. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- رضایی دشت ارژنه، محمود، و گلی‌زاده، پروین. (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی - تطبیقی سیاوش، اوزریس و آتیس. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، ۷(۲)، ۵۷-۸۳. dor: 20.1001.1.20084420.1390.7.22.2.0
- روحفر، زهره. (۱۳۸۰). نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور و سمت.
- زند داوودی، عسل. (۱۳۸۸). بررسی نقوش دستبافته‌های (پارچه‌ای) دوره سلجوقی و ایلخانی. نقش‌مایه، ۲(۴)، ۸۷-۱۱۱.
- ژی‌ران، ف. لاکوته، گ.، و دلاپورت، ل. (۱۳۸۲). اساطیر آشور و بابل. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: کارون.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۰). اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل. تهران: نشر مرکز.
- (۱۳۸۹). جهان اسطوره‌شناسی (۱۱). تهران: نشر مرکز.
- شکیبی ممتاز، نسربین. (۱۳۸۹). جایگاه سیاوش در اساطیر. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، ۲(۱)، ۱۱۶-۱۰۱.
- طالب‌پور، فریده. (۱۳۸۴). تکنیک‌های پارچه‌بافی ایران در صدر اسلام و عصر سلجوقی. مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳، ۱۳۳-۱۴۰.
- فرنبرگ دادگی. (۱۳۶۹). بندش. تهران: توس.
- فریزر، جیمز. (۱۳۸۴). شاخه زرزین (پژوهشی در جادو و دین). ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه.
- قرشی، امان‌الله. (۱۳۸۰). آب و کوه در اساطیر هند و ایران. تهران: هرمس.
- قربانی، مریم. (۱۳۹۲). ترجمه و تحلیل انتقادی گفت‌مان: رویکرد نشانه‌شناسی. تهران: علم.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۸۱). کیانیان. ترجمه ذبیح‌الله صفا. تهران: علمی فرهنگی.
- کمبل، جوزف. (۱۳۷۷). قدرت اسطوره. ترجمه عباس مخبر. چاپ هشتم. تهران: نشر مرکز.
- لمتون، آن کاترین سواپن فورد. (۱۳۸۱). ساختار درونی امپراتوری سلجوقی. در تاریخ ایران کمبریج (ج. ۵). ترجمه حسن انوشه. تهران: مهتاب.
- مبینی، مهتاب، و شافعی، آزاده. (۱۳۹۴). نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته و فلزکاری). جلوه هنر، شماره ۱۴، ۴۵-۶۴. doi: 10.22051/jzh.2016.2126
- محسنی‌نیا، ناصر، و امیری‌فر، عاطفه. (۱۳۹۴). سیاوش و خویشکاری ایزدان گیاهی (بررسی شباهت‌ها و زیرساخت‌ها در اساطیر). همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ایران.
- محمدی، مهدی، تندی، احمد، و مازیار، امیر. (۱۳۹۸). معرفی و طبقه‌بندی سفالینه‌های دوره سلجوقی. هنرهای صناعی اسلامی، ۴(۲)، ۱۳۳-۱۴۵. doi: 10.52547/jic.4.2.133

مصطفوی کاشانی، حسین. (۱۳۸۹). اسطوره ایزدان آب و گیاه. جهان کتاب، ۱۵ (۲۶۲)، ۹۴.

مهجور، فیروز، و علی نژاد اسبویی، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی و آزمایشگاهی یک نمونه از پارچه‌های عصر سلجوقی موجود در موزه مقدم دانشگاه تهران. مطالعات تطبیقی هنر، ۲ (۳)، ۷۱-۸۵. doi: 20.1001.1.22286039.1390.3.45.4.1

میرزایی، بنفشه. (۱۳۹۱). تاثیر شاهنامه فردوسی بر نقوش سفال‌های دوره سلجوقی. نقش مایه، ۵ (۱۰)، ۹۵-۱۰۲.

هینلز، جان راسل. (۱۳۹۱). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چاپ شانزدهم. تهران: چشمه.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سروش.

----- (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها. تهران: فرهنگ معاصر.

یوسفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). در هزارتوی اسطوره‌های آفرینش. گزارش و گفتگو. شماره ۱۱، ۷۴-۷۹.

یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۲). روانشناسی و دین. تهران: علمی فرهنگی.

Hillenbrand, R. (1994). The Art of the Saljuqs in Iran and Anatolia. California: Mazda Publishers.

منابع اینترنتی

URL1 : <https://collections.vam.ac.uk/item/O261579/woven-silk-unknown/> (Access Date : May 2022)

URL2 : <https://dia.org/collection/textile-49098/> (Access Date : May 2022)

URL3 : <https://www.clevelandart.org/art/1968.246/> (Access Date : May 2022)

URL4 : <https://collections.vam.ac.uk/item/O106594/fragment-unknown/> (Access Date : May 2022)

URL5 : <https://www.khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collection-islamic-art-footed-bowl-pot12/> (Access Date : May 2022)

URL6 : https://www.brooklynmuseum.org/exhibitions/light_of_the_sufis (Access Date : August 2016)

URL7 : <http://www.metmuseum.org/collections/search-the-collections/140002824> (Access Date : August 2016)

URL7 : <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/461158/> (Access Date : August 2016)

منابع
بهره‌های ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنایع ایران

سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۲

بهار و تابستان ۱۴۰۳

A Comparative Study of Botanical Mythology in Seljuk Pottery and a Textile Sample at the Victoria and Albert Museum

Zahra Taghadosnejad

Ph.D. Candidate, Department of Analytical and Comparative Studies of Islamic Art, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran/ z.taghadosnezhad@richt.ir

Abolfazl Davoudi Roknabadi

Full Professor, Department of Textile and Clothing Design Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding author)/ davodi@iauyazd.ac.ir

Mohammad Reza Sharifzadeh

Full Professor, Department of Philosophy of Art, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran/ moh.sharifzadeh@iauctb.ac.ir

Received: 19/05/2024

Accepted: 10/09/2024

Introduction

The motifs depicted in works of art, especially those belonging to ancient eras, alongside their decorative and ornamental aspects, serve functions that are closely linked to the myths, beliefs, and rituals prevalent at the time. In other words, these motifs are symbols that allude to specific beliefs or messages. One of the most important corresponding examples is an artwork produced during the Seljuk era, which has left behind a rich treasure trove particularly in the fields of textiles and ceramics. This research examines the role of botanical mythology on a Seljuk-era textile, numbered T.94-1937, kept in the Victoria and Albert Museum in London, and compares that with the motifs on Seljuk ceramics. Moreover, the intertextual relationship between the mythological motifs on the ceramics and the textile in question is explored, aiming to answer the semiotic position of the identical visual patterns found on Seljuk textiles and ceramics. A comparative mythological analysis will be presented, and the results will be examined to describe the form and motifs of the textiles and ceramics. Identifying the hidden conventions in the motifs from a mythological perspective, the study will also explore the connection between the role of water, the tree of life, and young people sitting beside the tree, and their relationship to botanical mythology.




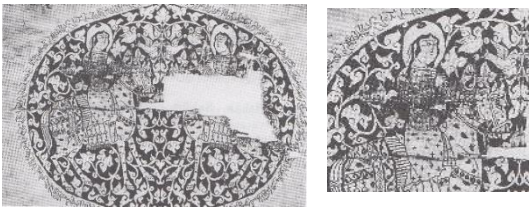


مجموعه
پژوهش‌های
ایرانی

هم‌سنجی اساطیر گیاهی در
سفالینه‌های سلجوقی با یک
قطعه پارچه محفوظ در موزه
ویکتوریا و آلبرت، زهرا تقدس‌نژاد
و همکاران، ۶۸:۴۹

Research Method

Among Seljuk textiles, only six pieces with human figures have been identified by the authors. Of these six samples, only one piece of textile, kept in the Victoria and Albert Museum under the number T.94-1937, has mythological signs and is the focus of this research. This piece was selected and compared with six ceramics that were similar in forms to the piece. This article conducted a descriptive-analytical study that was carried out through a library study, comparing the motifs of a piece of textile kept in the Victoria and Albert Museum and six existing ceramics from the Seljuk period. The shared intellectual, mythological, and social concepts presented in them were, then, examined, and their shared functions were identified and categorized. Since up to now, many researchers and scholars have studied Seljuk textiles, ceramics and mythological motifs, two groups of researches were directly and indirectly related to our purpose. The first group were those that provided mere information about Seljuk textiles and ceramics. The second group were those who had examined the works of art from a mythological perspective.














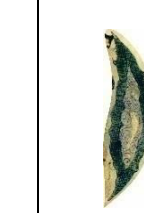





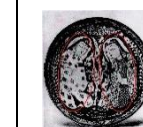

Table 1: Seljuk Textile with Human Figure (Research by the Authors, 2023)

Row	Seljuk-Era Textile	Source	Theme
1		(URL1)	Twins, Amshāspandān
2		(Feriye 1995: 157)	A young man with a falcon
3		(URL2)	A young man with a falcon
4		(Hillenbrand, 1994: 216)	The youth among the flowers
5		(URL3)	A young man with a falcon
6		(URL4)	Harpy

Research Findings

To interpret the motifs on the textile and ceramics under discussion, the researchers conducted a comparative analysis by referring to other related texts. Visually, all the samples (ceramics and textile) discussed in this research feature the depictions of two young individuals along with a tree and a pool of water, which are interpreted based on mythology. In the selected textile, the artist relying on the general form of a medallion, enclosed by Kufic script, along with plant motifs that fill the spaces between them, has created an overall geometric and repeatable form. The ceramic samples under examination also have a general circular design. In the composition of the textile and ceramics, two figures are seated on either side of a tree with a pool of water flowing beneath them.

Table 2: Comparative Analysis of Motifs on the Selected Textile and Ceramics (By the Authors)

Raw	Image Details						
1							
Comparison of motifs	Both the textile and ceramics depict a tree between two human figures.						
Analysis of motifs	The sacred tree symbolizes the connection between God and humans, holy spirits, the center of the universe, and nature. The cypress tree, due to its evergreen nature, symbolizes immortality and eternity.						
2							
Comparison of motifs	Both the textile and ceramics feature a pond of water beneath the tree.						
Analysis of motifs	Water symbolizes purity, transparency, purification, immortality, eternal life, and wisdom.						
3							
Comparison of motifs	Both the textile and ceramics depict two figures or groups seated opposite each other.						
Analysis of motifs	The figures could represent twins, or deities like Khordad and Amordad, who are intermediaries between the creator and creation and guide the righteous towards the Heaven. It's difficult to determine if the figures are male or female. Symmetry and balance are evident in all seven pieces.						

Given the sacredness of water and plants in cultural and historical backgrounds, as seen in Table 2, the use of trees and water alongside human figures was not merely for decoration. It served as a platform for expressing the artist's beliefs and convictions—archetypes that originate from the collective unconscious. The tree, in its mystical meaning, refers to the interconnectedness of all living things on the Earth throughout time. The vitality, growth, and liveliness of the tree, combined with water, ensure the continuation of life on Earth.

Conclusion

The findings of this article suggest that all motifs employed in the aforementioned works have had a cultural function, reflecting the prevailing beliefs of their time. Given the semiotic significance of visual patterns, mythological symbols are consistently manifested both in Seljuk textiles and in Seljuk ceramics. Furthermore, the motifs depicted on these artifacts represent the beliefs, convictions, and life style of that era. The motifs and symbols employed in these works held functional meanings for the people of the time and were not merely repetitions of the past or mere decorative elements. These findings offer a new perspective on the worldview prevalent during the Seljuk era, a worldview that these motifs have preserved and, at times, transmitted with necessary modifications based on the needs of the time.

Keywords: myth, Botanical motifs, textile, Seljuk ceramics, Victoria and Albert Museum.

References

- Akbari, P. (2014). *Water in the ancient world: Book one of the Middle East and parts of Europe*. Tehran: Tisa. [In Persian].
- Amuzgar, J. (2012). *Mythological history of Iran* (13th ed.). Tehran: Samt. [In Persian].
- Bahar, M. (1995). *A few essays on Iranian culture* (Vol. 2). Tehran: Ostoureh. [In Persian].
- . (2012). *A study in Iranian mythology* (4th ed.). Tehran: Agah. [In Persian].
- Bahmani, P. (2010). *The evolution and development of roles and symbols in traditional Iranian arts (with the collaboration of E. Safaran)*. Tehran: Payam Noor University. [In Persian].
- Barzin, P. (1967). Ancient Iranian textiles. *Art and People*, 5 (59), 39-44. [In Persian].
- Behzadi, R. (2001). Symbol in mythology. *Book of the Month of Art*, No. (35-36), 52-56. [In Persian].
- Berlin, J. F. (2007). *Parallel myths*. (A. Mokhbar, Trans.). Tehran: Markaz Publishing. [In Persian].
- Biruni, A. R. (1973). The remaining works of the past centuries (A. A. DanaSeresht, Trans.). Tehran: Ibn Sina. [In Persian].
- Bosworth, C. A. (1987). Political and dynastic history of Iran (614-390 AH/1217-1000 AD). In J. A. Boyle (Ed.), *The Cambridge history of Iran* (pp. 1-50). (H. Anoushe, Trans.). Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian].
- Bruce, J. (1988). The sacred tree. *UNESCO Message*, No. 224, 4-9. [In Persian].
- Campbell, J. (2000). *The power of myth* (A. Mokhbar, Trans.) (8th ed.). Tehran: Markaz Publishing.
- Christensen, A. (2002). *Kianian*. (Z. Safa, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian].
- Dadvar, A., & Hadidi, E. (2011). A study of textile motifs from the early Islamic centuries (from the first century AH to the late Seljuk period). *Jelweh Honar*, 3 (2), 16-22. doi: 10.22051/jjh.2014.21. [In Persian].

- Dadvar, A., & Namazalizadeh, S. (2022). A study of the consequences of Zoroastrian thought in Sassanid metal plates and Seljuk pottery. *Visual Arts (Fine Arts)*, 27 (2), 33-38. doi: 10.22059/jfava.2021.332249.666807. [In Persian].
- Dadvar, A., & Roozbahani, R. (2019). Reflection of nature in the scope of Iranian mythology. *Jelweh Honar*, 11 (22), 63-73. doi: 10.22051/jjh.2019.7486.1030. [In Persian].
- Dadvar, A. (2014). Plant and animal motifs and symbols in potteries of the Islamic period in Iran. *Negarineh Islamic Art*, No. 4, 4-19. doi: 10.22077/nia.2014.490. [In Persian].
- Delashaw, M. L. (1987). *The coded language of family tales*. (J. Sattari, Trans.). Tehran: Toos. [In Persian].
- Ebrāhimi, K. (2020). A comparative study on an Ilkhanid textile and the Seljuk pottery. *Honar-haye Sena'ee-ye Iran*, 3 (1), 47-62. doi: 10.22052/3.1.47. [In Persian].
- Eliade, M. (1993). *Treatise on the history of religions*. (J. Sattari, Trans.). Tehran: Soroush. [In Persian].
- Esmaeelnia Ganji, H., Forsati Jooybari, R., & Pashapasandi, H. (2020). The concept of "the perfection of demons and Amesha Spenta" based on Mazda religion and pre-Aryan myths: A structural analysis. *Mytho-Mystic Literature*, 15 (57), 13-39. doi: 20.1001.1.20084420.1398.15.57.1.5. [In Persian].
- Esmailpour, A. (2012). *Myth, symbolic expression*. Tehran: Soroush. [In Persian].
- Evans, V. (2002). *Egyptian mythology*. (M. H. B. Farrokhi, Trans.). (2nd ed.). Tehran: Mythology. [In Persian].
- Farrbay Dādaghī. (2006). *Bundahišn*. Tehran: Toos [In Persian].
- Frye, R. W. (1995). *The arts of Iran*. (P. Marzban, Trans.). Tehran: Farzan. [In Persian].
- Fraser, J. (1985). *The golden branch: A study in magic and religion*. (K. Firouzmand, Trans.). Tehran: Aghah. [In Persian].
- Ghorbani, M. (2013). *Translation and critical analysis of discourse: A semiotic approach*. Tehran: Alam. [In Persian].
- Giron, F., Lacote, G., & Delaporte, L. (2003). *Mythology of Assyria and Babylon*. (A. Esmailpour, Trans.). Tehran: Karun. [In Persian].
- Hasuri, A. (2005). *Siavoshan*. Tehran: Cheshmeh Publishing House. [In Persian].
- Hatem, G. A. (2005). Pattern and symbol in ancient Iranian pottery. *Quarterly Journal of Art*, No. 28, 355-378. [In Persian].
- Helmi, A. K. (2005). *The Seljuk state*. Qom: Hawza and University Research Institute. [In Persian].
- Hillenbrand, R. (1994). *The art of the Saljuqs in Iran and Anatolia*. California: Mazda Publishers.
- Hinles, J. R. (2012). *Understanding Iranian mythology*. (Z. Amouzgar & A. Tafazzoli, Trans.). (16th ed.). Tehran: Cheshme. [In Persian].
- Jung, C. G. (2003). *Psychology and religion*. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian].
- Lamton, A. C. S. (2002). The internal structure of the Seljuk Empire. In J. A. Boyle (Ed.), *The Cambridge history of Iran* (Vol. 5, pp. 1-50). Tehran: Mahtab. [In Persian].
- Mirzaei, B. (2012). The influence of Ferdowsi's Shahnameh on pottery designs of the Seljuk period. *Naqsh-e-Mayah*, 5 (10), 95-102. [In Persian].
- Mobini, M., & Shafei, A. (2015). The role of mythological and sacred plants in Sasanian art (with emphasis on reliefs and metalwork). *Jelweh Honar*, No. 14, 45-64. doi: 10.22051/jjh.2016.2126. [In Persian].

- Mohammadi, M., Tandi, A., & Mazyar, A. (2019). Introduction and classification of Seljuk period pottery. *Islamic Industrial Arts*, 4(2), 133-145. doi: 10.52547/jic.4.2.133. [In Persian].
- Mohseninia, N., & Amirifar, A. (2015). *Siavash and the servitude of the plant gods (A study of similarities and substructures in mythology)*. International Conference of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature, Iran. [In Persian].
- Mostafavi Kashani, H. (2010). The myth of the gods of water and plants. *Jahan Kitab*, 15 (262), 94. [In Persian].
- Pakbaz, R. (2002). *Iranian painting from ancient times to the present*. Tehran: Zarrin and Simin. [In Persian].
- . (2006). *Encyclopedia of art*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian].
- Pope, A. U., & Ackerman, P. (2008). *A journey in Iranian art (from prehistory to the present)* (Vol. 5, N. Daryabandari et al., Trans.). Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian].
- Pourazar, M. (2016). *A comparative study of the tree symbol in ancient Iran and Islam and its manifestation in works of art*. International Conference on Orientalism and Iranian Studies, Aligarh, India. (2nd ed.). [In Persian].
- Pourdavoud, E. (2008). *Yashts*. Tehran: Asatir. [In Persian].
- Qorshi, A. (2001). *Water and mountains in Indian and Iranian mythology*. Tehran: Hermes. [In Persian].
- Rezaei Dasht-e Arjaneh, M., & Golizadeh, P. (2011). Analytical-comparative study of Siavash, Osiris, and Attis. *Quarterly Journal of Mystical and Mythological Literature*, 7(2), 57-83. doi: 20.1001.1.20084420.1390.7.22.2.0. [In Persian].
- Roohfar, Z. (2002). *A look at textile weaving in the Islamic era*. Tehran: Cultural Heritage Organization of the Country and the Ministry. [In Persian].
- Sattari, J. (2002). *Myth and epic in the thought of Georges Dumesil*. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian].
- . (2010). *The world of mythology* (11). Tehran: Markaz Publishing. [In Persian].
- Shakibi Mumtaz, N. (2010). The place of Siavash in mythology. *Persian Language and Literature Research*, 2 (1), 101-116. [In Persian].
- Taghipour, P., & Fahimi Safa, M. (2016). A comparative study of the fabric motifs of the Seljuk and Qajar periods. St. Petersburg-Russia Conference. [In Persian].
- Talebpour, F. (2005). Iranian weaving techniques in early Islam and the Seljuk era. *Islamic Art Studies*, No. 3, 133-140. [In Persian].
- Yahaghi, M. J. (2007). *Dictionary of myths and fictional allusions in Persian literature*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies and Soroush. [In Persian].
- . (2009). *Dictionary of myths and fables*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian].
- Yousefi, M. R. (2004). In the labyrinth of creation myths. *Report and Discussion*, No. 11, 74-79. [In Persian].
- Zand Davoudi, A. (2009). A study of hand-woven (fabric) motifs of the Seljuk and Ilkhanid periods. *Naqsh-Mayeh*, 2 (4), 87-111. [In Persian].

URLs

URL1: <https://collections.vam.ac.uk/item/O261579/woven-silk-unknown/> (Access Date: May 2022)

URL2: <https://dia.org/collection/textile-49098/> (Access Date: May 2022)

URL3: <https://www.clevelandart.org/art/1968.246/> (Access Date: May 2022)

URL4: <https://collections.vam.ac.uk/item/O106594/fragment-unknown/> (Access Date: May 2022)

URL5: <https://www.khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collection-islamic-art-footed-bowl-pot12/> (Access Date: May 2022)

URL6: https://www.brooklynmuseum.org/exhibitions/light_of_the_sufis (Access Date: August 2016)

URL7: <http://www.metmuseum.org/collections/search-the-collections/140002824> (Access Date: August 2016)

URL7: <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/461158/> (Access Date: August 2016)

مناظر
بهره‌های ایرا

هم‌سنجی اساطیر گیاهی در
سفالینه‌های سلجوقی با یک
قطعه پارچه محفوظ در موزه
ویکتوریا و آلبرت، زهرا تقدس‌نژاد
و همکاران، ۶۸:۴۹